

نویسنده: پاتریک کوکوبرن «Patric Cockburn» . [12]
منبع و تاریخ نشر: کونتر پانچ «2023-01-16» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

افغان های را که هری کشته است چه کسانی بودند؟

Who Were the Afghans Harry Killed?



منبع عکس Eva Rinaldi: از سیدنی استرالیایا 2.0 CC BY-SA –

عصبا نیت در مورد اظهارات بسیا ر مورد انتقاد وناشا یسته **شاهزاده هری** در مورد نقش وی به عنوان خلبان هلیکوپتر در جنگ افغانستان در سال 2012، بیشتر به نسبت منتقدان او چیزهای زیادی دیگری را برملا میکند که اکثر بخش های از همچو سوء استفاده های هستریک قابل توجه بوده یا که جلب توجه میکند، و اما یکی از این جلب توجه ها فراموشی بریتانیا در مورد جنگ های شکست خورده در افغانستان و عراق نیز سرچشمه می گیرد .

هری در کتاب خود می نویسد: که جنگ "افغانستان جنگ اشتباهات بود، جنگی بود که خسارات جانبی عظیمی به همراه داشت - هزاران بی گناه کشته و معلول شدند و این موضوع همیشه ما را آزار میداد.

تاجیکه در واقع، این اشتباهات باید در بریتانیا بسیار آزار دهنده با شد، جایی که مداخله نظامی بیهوده بریتانیا در افغانستان، عمدتاً در استان هلمند، به سرعت از حافظه عمومی محو می شود.

یک بیماری ملی خود ویرانگر

هیچ کشوری دوست ندارد که بروی شکست های خود تمرکز کند، اما امتناع بریتانیا از شناخت اشتباهات گذشته و درس نگرفتن از آنها به یک بیماری ملی خود ویرانگر تبدیل شده است بدترین علامت آن، تقویت سطحی و ظاهری است، و آنهم تظاهر به اینکه بریتانیا برگ های برنده را در دست دارد و می داند چگونه آنها را بازی کند، که سال گذشته در زمان **بوریس جانسون** و **لیز تراس** این خودخواهی یا تظاهر به اوج خود رسید. اما زهری که به اظهارات نسبتاً معقولانه هری در مورد جنگش در افغانستان پرداخته و یا علاوه شده است، قدرت تابوهای عمومی در برابر هرگونه ارزیابی واقع بینانه از توانایی بریتانیا برای جنگ را نشان می دهد.

در روایت **هری** از پرواز با **هلیکوپتر آپاچی** در ماموریت های جنگی، کمی ساده لوحی وجود دارد، اما او افکار جالبی درباره کاری که انجام می داد دارد. او می نویسد که "هدف من از روزی که به آنجا رسیدم این بود که هرگز به رختخواب نروم و شک کنم که کار درست را انجام داده ام، اهدافم درست بوده اند، به طالبان شلیک می کنم و فقط به طالبان، بدون غیرنظامیان در آن نزدیکی" ها.

اما تجربه در افغانستان و عراق بارها و بارها نشان داد که افرادی که توسط نیروی هوایی غربی به شکل هواپیماهای بال ثابت، هلیکوپترها، پهپادها و موشک های زمین به زمین هدف قرار می گیرند، اغلب آنهایی نبودند که خلبانان و کنترل کنندگان هوایی فکر می کردند. و به جای جنگجویان طالبان یا دولت اسلامی، آنها ممکن است دشمنان قبیله ای والی ولایت یا کشاورزانی باشند که سعی در مبارزه با افراد مسلح غارتگر فرستاده شده توسط رئیس پلیس محلی دارند. و یا که استخدام گروهبان یا افسران اصلی برای طالبان بود که تلفات غیرنظامی در برداشت و آنهم که توسط حملات هوایی نادرست انجام شد.

اطلاع و یا آگاهی نامشخص

هری می گوید که او 25 طالب را کشته است، اما من خیلی شک دارم زمانی که تأثیر واقعی نیروی هوایی بر غیرنظامیان روی زمین در شمال عراق - جایی که به جنگ هوایی در افغانستان بسیار شبیه بود - توسط **عظمت خان** و **آناند گوپال** در سال های (2016-2017) مورد بررسی قرار گرفت، آنها تفاوت زیادی بین ادعاهای نظامی و واقعی بودن در مطالعه ای بر روی 150 حمله هوایی، به نام «بی شمار» و منتشر شده در نیویورک تایمز در 16 نوامبر 2017، آنها «به این نتیجه رسیدند که از هر پنج حمله ائتلافی که ما شناختیم، یک مورد منجر به مرگ غیرنظامیان شده است، نرخی که بیش از 31 برابر بیشتر از آن است. مورد تایید ائتلاف [غربی].»

با وجود تمام ادعاهای آنها مبنی بر اینکه می توانند بین سربازان و غیرنظامیان تمایز قائل شوند، کمپین های هوایی مدرن دقیقاً مانند گذشته به اطلاعات نامشخص در مورد اهداف بستگی دارد. در یکی از مناطق مسکونی خارج از شهر **موصل**، نیروهای هوایی غربی مدعی شدند که تنها

یک غیرنظامی را در شهر **قیاره** یا نزدیک آن کشته اند و نیروی هوایی عراق گفت که هیچ کس را نکشته است. معلوم شد که 40 حمله هوایی به این منطقه انجام شده است که منجر به کشته شدن 43 غیرنظامی شده است که از این تعداد 19 مرد، هشت زن و 16 کودک 14 ساله ویا کمتر بودند بر حدود یک سوم حملات هوایی مرگبار، جنگجویان دولت اسلامی در نزدیکی غیرنظامیان قرار داشتند، اما در نیمی از موارد هیچ کدام حضور نداشتند.

سوء استفاده از کارکرد **هری** در مواقعی بر این ادعای نادرست متمرکز شده است که او به کشتن «25» طالب به خود می بالد یا با دادن رقیمی برای کشته شدگان دشمن برخی از قوانین نظامی مخفیانه را زیر پا گذاشته است. او ظاهراً معتقد است که می دانست به چه کسی شلیک می کرد و در عصریا بخاطر سپاری هلیکوپترها و لپ تاپ های آپاچی، این موضوع قابل تأیید و زمان بندی است: او می گوید: «همیشه می توانم دقیقاً بگویم چند جنگجوی دشمن را کشته ام».

عراق

در واقعیت، **هری** نمی توانست چنین کاری را انجام دهد، زیرا سلاح های مدرن اگرچه دقیق هستند، اما همچنان به شناسایی هدف مناسب بستگی دارند. اگر **هری** در مورد همه اهدافش که گروه طالبان هستند درست می گوید، این نشان دهنده سطح استثنایی از اطلاعات دقیق است. با این حال، حداقل او به این فکر می کرد که دارد چه می کند، اگرچه "در گرما و مه یا غبار و گرد. حاک جنگ، من آن 25 نفر را مردم نمی دانستم". او قیاس را بین طالبان بدنام مرده و مهره های شطرنج حذف شده از صفحه انجام می دهد "من برای کاری "دیگری" آنها آموزش دیده بودم، به خوبی آموزش دیده بودم. گرچه در سطحی من این جدایی آموخته شده را مشکل ساز می دانم. اما من همچنین آن را به عنوان بخشی اجتناب ناپذیر از سربازی می دیدم..»

او مطمئناً در این مورد درست می گوید، هرچند نه کاملاً آنطور که می خواهد. ارتش ها معمولاً در مورد تعداد غیرنظامیان دروغ می گویند یا خود را فریب می دهند، برخلاف جنگجویان دشمن که می کشند. آنها به ندرت با صراحت به خود یا دیگران اعتراف می کنند که چرا اشغال نظامی اینقدر مکرراً مقامت مسلحانه را تحریک می کند. در پیش از ورود ارتش بریتانیا به هلمند در سال 2006، یک افسر اطلاعاتی به صراحت خاطر نشان کرد که "در هلمند جنگی وجود ندارد، اما اگر ارتش بریتانیا به آنجا برود، جنگ وجود خواهد داشت".

اینطور نیست که حقایق ناگوار در مورد مداخله مستقیم نظامی بریتانیا در عراق و افغانستان راز باشد. یکی از سفیران بازنشسته بریتانیا گفت که بدترین اشتباه دولت بریتانیا که در تمام دوران دیپلماتیک خود شاهد بوده، مداخله نظامی بریتانیا در عراق بوده است، در حالی که بدترین اشتباه دوم، مداخله بریتانیا در هلمند بوده است. دلیل اصلی هر مداخله، اولویت دادن به متقاعد کردن ایالات متحده بود که انگلیسی ها متحدی هستند که آمریکا می تواند به آنها تکیه کند.

افغان هایی را که هری کشته چه کسانی بودند؟

این حداقل یک انگیزه منطقی برای اعزام ارتش های کوچک و ناکافی بریتانیا به بصره و هلمند فراهم می کند، جایی که آنها با یک جمعیت محلی متخاصم و مسلح مواجه شدند.

بسیاری از آنچه که برای بریتانیا در این جنگ ها اشتباه رخ داده بود، توسط گزارش های دولتی یا پارلمانی با کیفیت بالا به دقت بررسی شده است. گزارش ها که به گونه ای طراحی شده اند که موضوع را در چمن های بلند قرار دهند، به طور کلی موفق به انجام این کار شدند. خبرهای خوب اگرچه برای

مورخان است، اما درس‌هایی که آنها به آنها اشاره می‌کنند معمولاً نادیده گرفته می‌شوند. از جمله مهم‌ترین آنها نتیجه‌گیری این است که تلاش آمریکا و انگلیس برای جنگ با تکیه تا حد زیادی به نیروی هوایی کارساز نیست. اگر چنین می‌شد، طالبان امروز در کابل قدرت نداشتند.

گزارش **هری** از دوران حضورش در افغانستان ممکن است به بحث در مورد سابقه نظامی بریتانیا در عراق و افغانستان دامن بزند. هیچ نشانه‌ای از این در عجله برای شیطان جلوه دادن **هری** به دلیل "ناراحت کردن طرف" وجود ندارد.

دوسوال جالب احتمالی پاسخ خواهند ماند. افغان‌هایی را که **هری** کشته چه کسانی بودند؟ و به چه تعداد بقیه به طالبان پیوستند زیرا که اقوام و دوستانشان مرده بودند؟

چند سطری در مورد نویسنده این مقاله :

پاتریک کوک برن (انگلیسی) (Patrick Cockburn) زاده ۵ مارس ۱۹۵۰، خبرنگار ایرلندی بخش خاورمیانه روزنامه‌های فایننشیل تایمز از سال ۱۹۷۹ و اخیراً ایندیپندنت است که برنده جایزه «مفسر سال» در سال ۲۰۱۳ شده است.

وی از زمان قدرت‌گیری **داعش** در **عراق**، تحولات مرتبط با این گروه را از نزدیک دنبال کرده است؛ و کتاب‌هایی نیز تحت عناوین «ظهور دولت اسلامی» (به انگلیسی: *The Rise of Islamic State: Isis and the New Sunni Revolution*) چاپ (۲۰۱۵) و «بازگشت جهادی‌ها» (به انگلیسی: *The Jihadis Return: ISIS and the New Sunni Uprising*) چاپ (۲۰۱۴) را درباره آن تألیف نموده است.



پاتریک کوک برن

..... با تقدیم احترامات «2023-01-16»